

بعد از آن که فرزند پست دادند و نه زیت کردند و در بعضی روایات
چنین آمده است که رسول صلی الله علیه و آله با قیاس رضی الله عنه گفت
ای عباس مرا یک کف دست ربک ده تاقه شهاب که رسول صلی الله
علیه و آله بر آن سوار بود که از آنم کرد خود را پست گردانید چنانکه شکم
وی بزمین رسید رسول صلی الله علیه و آله بدست مبارک خود ربک
گرفت و در روی مشرکان افشاند و گفت شایسته است این وجه تم
لا یصرون خدای تعالی نهیت بر ایشان انداخت **و از جمله آیت**
که عابدین عزمی رضی الله عنه گفته است که روز چنین پیش رسول
صلی الله علیه و آله مقامی کردم تیری برجهندم آمد و خون بروی
و ریش و سینه میزد روان شد رسول صلی الله علیه و آله آن خون را
بدست مبارک خود از روی و چشم می دور کرد و بسینه می آورد عابد
در ایام حیات خود این حکایت می کرد چون وفات یافت در وقت
غسل این موضع از بسینه وی که دست مبارک رسول صلی الله علیه و آله
رسیده بود نظر کردند نورانی بود چون نوره نوری **و از جمله آیت**
که در سال نهم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سیرتیه به بی کلاب فرستاد
و کتابی نیز نوشت ایشان انبیاء الالم کردند و کتاب را ششصد
و آن پوهت را که کتابت بر آنجا کرده بودند بر تبه و لوط خود دوختند
چون خبر ایشان بسمع مبارک رسول صلی الله علیه و آله رسید گفت ما لهم
آن سبانه شکر آیم چیست برایشان از حد ایستاد عقلای ایشان را براد

کوینکه

کوینکه ایشان بواسطه دعای رسول صلی الله علیه و آله بر سینه الفصیح و مخلص
الکلام اند و بعضی چنان اند که سخنان منعم می شود **و از آن جمله**
آیت که هم درین سال غزوه تبوک واقع شد و در فترتی از منازل
شکسته کرده بودند رسول صلی الله علیه و آله نزد یک صحیح در خوابت تا فاتی
که آفتاب بر آمد از او فداه آب طلبید او فداه گفته است که منظمه آب
برویم بر دست رسول صلی الله علیه و آله و کم آب بر خیم تا وضو ساخت و فرمود
که باقی را نگاه دار که بکار خواهد آمد و بعد مردم بیشتر رفته بودند و در
موضعی آب فرو آمده و هر چند ابوبکر و عمر رضی الله عنهما گفته بودند که
بر سر آبی فرود آیم القات نکرده بودند چون ایشان رسیدیم دیدیم
حرارت هوا در ایشان افزو کرده است و از تشنگی افتران خوشی توان
می کنند و بتیغی آنی که در معده افتران می باندی خوردند چون رسول
صلی الله علیه و آله و سلم آن حال را دانست فرمود که اگر فرمان ابوبکر و عمر
رضی الله عنهما می شنیدند با ایشان کردند می رسید بعد از آن آن مطهره
که در وی تیغ آب نمانده بود طلبید مردم را صلوات داد و آب می بخیت
و مردمی خوردند تا سیراب شدند و در هزاراب و پانزده هزار
فترت را نیز آب دادند **و از جمله آیت** که عبد الله بن خنیس رضی الله عنه
بعد از آن که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بجای تبوک رفته بود بخانه خود در
آمد و دوزن صاحب جمال داشت و هر کس چیزی می سالیگ می بستند
آنرا آب زور بودند و فروش میکردند و خفته و طعام حاضر کرده عداقه چرخ

غزوه تبوک